

## بازنمایی هویت مکانی روستاهای حومه‌ای در طرح‌های توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستای دره مرادیگ شهرستان همدان)

سمیه هاتفی شجاع<sup>۱</sup>، ایرج اعتصام<sup>۲</sup>، سید غلامرضا اسلامی<sup>۳</sup>

- ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
 ۲- استاده، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
 ۳- استاده، گروه معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### حکیده

تاریخ دریافت: ۰۶ شهریور ۱۳۹۵  
 تاریخ پذیرش: ۰۵ آذر ۱۳۹۵

بررسی هویت از زبان ساکنان محلی به مبنای نظری بازنمایی اجتماعی مربوط است. در این ارتباط باید به گفتمان‌های محلی اشاره کرد. روستای حومه‌ای دره مرادیگ در فاصله سه کیلومتری از مرکز شهر همدان بر اثر جریان‌های شهرگرایی و تکامل روستا با استفاده از امکانات شهری تغییر هویت داده است. دره مرادیگ از قدیم برای مردم همدان مکانی تفریحی با هویت ویلاشینی و گذراندن اوقات فراغت بوده است. با توجه به طرح توسعه روستاهای محلی روستای دره مرادیگ تحت تأثیر تحولات اخیر چگونه باید باشد؟ با تغییرات صورت گرفته هویت مکان برای افراد با سنین مختلف چگونه است؟ از نظر هائری لوفور، فضا عاملی سیاسی و اجتماعی است که هویت مکان آن بر اساس عوامل درونی و بیرونی است. هالفکری بر اساس این مدل، هویت روستاها را برآمده از موقعیت‌های روستا، بازنمودهای رسمی و زندگی روزمره روستاییان می‌داند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد برای پاسخگویی به نیاز ساکنان با سنین مختلف و به منظور هویت‌بخشی در الگوی مسکن ویلایی و روستایی باید توسعه عمرانی و امکانات شهری در روستا لحاظ شود. همچنین فضاهای جمعی مرکز محله، قابلیت‌های طبیعی، فرهنگی و اکولوژیکی رودخانه آوسجرد و سرمایه اجتماعی باید با سازماندهی و دستیابی به بافت ترکیبی افزایش یابد.

### کلیدواژه‌ها:

هویت مکان، روستاهای حومه‌ای، دره مرادیگ همدان، استان همدان

### ۱. مقدمه

سه‌گانه هائری لوفور با مفهوم فضای سیاسی و اجتماعی، برگرفته از محیط درونی و جریان‌های جهانی است که بین فضای فیزیکی و ذهنی و اجتماعی ارتباط برقرار می‌کند.

روستای دره مرادیگ در فاصله سه کیلومتری جنوب مرکز شهر همدان قرار گرفته است و جزء روستاهای گردشگری به شمار می‌آید که سازمان کالبدی آن در فرایند تعاملی با حضور عواملی چون تمایل‌ها و علاقه‌ها و هدف‌های جامعه از یک‌سو و نیروهای محیطی از سوی دیگر شکل گرفته است. همچنین مراکز محله‌ها به‌وسیله رشته فضاهای و عناصر ارتباط‌دهنده و گذرها، به گونه‌ای به هم متصل شده که کل واحد را به وجود آورده است (Alalhesabi & Negaresh, 2011).

در حال حاضر روستای حومه‌ای دره مرادیگ بر اثر جریان‌های شهرگرایی و تکامل روستا با استفاده از امکانات شهری تغییر هویت داده که این امری طبیعی است. در زمان‌های گذشته، دره مرادیگ و قابلیت‌های فرهنگی و طبیعی دره‌های الوند برای

کالبد و رفتارهای اجتماعی و فعالیت‌های جهانی از جمله گردشگری، از شاخصه‌های مهم هر روستا محسوب می‌شود که هویت آن را تعیین می‌کند. امروزه با ورود انسان به عصر صنعت، بازسازی و بهسازی روستاها بدون توجه به الگوها و اصول معماری بومی و ویژگی‌های کالبدی، نقش هویت‌بخش آن‌ها را به‌تدریج کم‌رنگ‌تر کرده و موجب شده است روستاهایی ایجاد شود که هیچ تناسبی با فرهنگ و قومیت آن‌ها نداشته باشد. این بحران هویت یا به عبارت دقیق‌تر «هویت مکانی»<sup>۱</sup>، ناشی از نبود مکان به معنای واقعی آن است؛ مکانی که انسان را در ارتباط با لایه‌های دیگر وجود خویش قرار می‌دهد و این لایه‌ها به شناخت انسان از محیط پیرامون و خویش‌شن خود کمک می‌کند (Kashi & Bonyadi, 2014). تغییر فضایی و مکان در روستاها بر اساس الگوی

1. Place identity

\* نویسنده مسئول:

دکتر ایرج اعتصام

نشانی: تهران، بزرگراه شهید ستاری، میدان دانشگاه، بلوار شهدای حصارک، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده هنر و معماری، گروه معماری.

تلفن: ۴۴۸۶۵۱۵۴ (۲۱) ۹۸+

پست الکترونیکی: i.ettessam@srbiau.ac.ir.com

روستایی را در منطقه شهری تبیین کرده است. بنابراین تحقیق حاضر در پی آن بود که در ابتدا شخصیت روستای دره مرادبیگ را از آسیب‌های شهری شدن درامان نگه دارد. سپس با طراحی و تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش عرصه واسط، به ارتقای ادراک فضایی در سلسله‌مراتب سکونتگاهی کمک کند تا شهر و روستا با هویتی مستقل از یکدیگر رشد و توسعه یابند.

**بماین و سماواتی (۲۰۱۴)** برای توسعه نقاط گردشگری در حاشیه روستای دره مرادبیگ، جایگاه گردشگری این روستا در حفاظت از محیط رود دره و باززنده‌سازی آسیب‌های واردشده بر منظره را بررسی کرده‌اند. نتایج مطالعه آنان نشان می‌دهد که حفظ کاربری‌های فضای سبز، هویت‌بخشی به منطقه، ایجاد حس تعلق خاطر به فضا و مکان بین ساکنان منطقه، توسعه استراحتگاه، فعالیت‌های تفریحی و تفرجی عمومی در حاشیه رود دره‌ها و زیباسازی و نمادسازی در مسیرهای پیاده می‌تواند از آلودگی این رودخانه جلوگیری و بستر لازم را برای توسعه گردشگری پایدار فراهم کرد.

#### چارچوب نظری تحقیق

در سه دهه اخیر، فضا به یکی از مؤلفه‌های اساسی در تحلیل‌های شهری تبدیل شده است. از دید لوفور فضا و زمان به‌طور تفکیک‌ناپذیری در فرایندهای شیوه‌های تولید، به هم پیوند خورده است. او تولید فضا را اصلی‌ترین سازوکار بقای سرمایه‌داری می‌داند و در این زمینه از چرخه دوم انباشت سرمایه نام می‌برد. لوفور بر آن است تا ابعاد پنهان و بدیهی فرض شده فرایند تولید فضا را آشکار کند که به تسخیر فضای زندگی روزمره منجر شده است و نشان دهد که تغییر جامعه در اصل به معنای تغییر فضا یا تولید فضا است (Torkameh & ShirKodaye, 2015).

او با بررسی نظریه تولید فضا بر اساس ساختار دیالکتیک سه‌گانه، آن را با عنوان سه‌گانه فضایی معرفی می‌کند. در این نظریه لوفور به دنبال جانداختن مفهوم فضای اجتماعی است و می‌کوشد میان فضاهای ذهنی و انضمامی و فیزیکی ارتباط برقرار کند. از نظر روش و نظریه، لوفور فضای اجتماعی را همانند هر واقعیتی با سه مفهوم کلی مرتبط می‌داند: شکل و ساختار و کارکرد. برای لوفور این ساختار سه‌تایی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، چرا که شکل‌ها و ساختارها و کارکردها عموماً در قلمرو مادی قرار دارد و از طریق آن توصیف می‌شود که هم آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و هم تفاوت میان آن‌ها را حفظ می‌کند. فضا به طور هم‌زمان فعالیت مکانی (محیط مادی) و بازنمود فضا (الگوی مفهومی که فعالیت را هدایت می‌کند) و فضایی برای بازنمایی است (روابط اجتماعی استفاده‌کنندگان محیط در آن زنده است).

#### هنری لوفور و بازتولید اجتماعی فضا

هنری لوفور فرضیه «بازتولید اجتماعی فضا» را بر اساس ماتریالیسم دیالکتیک مارکس و آگاهی‌هگل و زبان و قدرت نیچه

مردم همدان مکانی تفریحی با هویت ویلاتنشینی و برای گذراندن اوقات فراغت بوده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌هایی برای این پرسش‌هاست: با توجه به طرح توسعه روستاهای هویت مکان روستای دره مرادبیگ چگونه باید از تحولات اخیر تأثیر بپذیرد؟ با تغییرات انجام‌شده، هویت مکان برای افراد با سنین مختلف چگونه است؟

## ۲. مروری بر ادبیات موضوع

پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در دو بخش هویت مکان و شناخت روستای دره مرادبیگ بررسی کرد. **ستاری (۲۰۱۶)** در مطالعه‌ای دیالکتیک سه‌گانه تولید فضای هانری لوفور را معرفی کرده است. لوفور مفهوم فضا را در کانون نظریه اجتماعی و سیاسی معاصر قرار داده است. **ترکمه و شیرخدایی (۲۰۱۵)** چهارچوبی با عنوان «نظریه تولید فضا» به کار گرفته‌اند که به شکلی پیچیده از اندیشه دیالکتیکی و نظریه زبان و خوانش لوفور از پدیدارشناسی گرفته شده است. همچنین **جوان و همکاران (۲۰۱۳)** مفهوم کامل نظریه لوفور را بررسی کرده‌اند.

**هالفرنس (۲۰۰۷)** با معرفی الگوی عمومی فضاهای روستایی از جنبه‌های مختلف موقعیت روستا، نظام سرمایه‌داری و زندگی روزمره روستا و کاربرد آن را در تغییر فضایی حومه‌های انگلیسی واکاوی کرده است. **سرتیپی‌پور (۲۰۱۳)** با بررسی هویت مسکن روستایی در گذشته و حال، سیاست تأمین مسکن روستایی کشور را شرح داده است. **پوردیهیمی و نورتقانی (۲۰۱۳)** با کمک دو معیار قابلیت‌های محیط و تعامل‌های ساکنان در برابر محیط، به ارتباط هویت فردی و اجتماعی با مسکن در روستاها اشاره کرده است.

**مسعود و پسرک‌لو (۲۰۱۳)** هویت کالبدی روستاهای استان گلستان را در برابر نوسازی‌ها بررسی کرده‌اند. بدین منظور آنان شاخصه‌های کالبدی از جمله ویژگی‌های طبیعی، مناظر مصنوعی، نماها و مصالح را با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استخراج و سپس کالبد روستاها را از نظر این شاخصه‌ها مقایسه کرده‌اند. **احمدی و مهدوی (۲۰۱۵)** به بررسی امکان وجود رابطه کیفیت زندگی روستاییان با حس تعلق مکانی در روستای زرننده بخش مرکزی پرداخته است. نتایج تحقیق گویای این است، شاخص‌های اقتصادی و مدت سکونت در روستا بر حس تعلق مکانی آنها بیشترین تأثیر را داشته است.

**بیک (۲۰۱۴)** در پژوهشی با هدف تدوین و ارائه ضوابطی مبتنی بر دانش طراحی شهری در ناحیه انتقالی شهر و روستا، مسئله ازبین‌رفتن عوامل هویت‌بخش سکونتگاه‌های روستایی واقع در حریم شهرها را تعادلی در تعامل کالبدی‌زیستی هر دو سکونتگاه مطرح می‌کند. وی با بررسی آخرین دیدگاه‌ها و تجربه‌های جهانی مرتبط با موضوع، الگوی طراحی شهری را برای احیای سازمان فضایی منطقه شهری ارائه داده و ویژگی‌های عرصه واسط شهر و

جدول ۱. دیالکتیک سه‌تایی فضا از دیدگاه هانری لوفور (Safari, 2016).

عمل فضایی (L'espace perçu)	امر ادراک شده (The perceived)	فیزیکی (Physical)	ماتریالیسم (Materialism)
بازنمایی فضایی (L'espace conçu)	امر تصور شده (The conceived)	ذهنی (Mental)	ایدئالیسم (Idealism)
فضای بازنمایی (L'espace vécu)	امر زیسته (The lived)	اجتماعی (Social)	ماتریالیسم و ایدئالیسم (Materialism and Idealism)

#### بازنمایی فضایی

می‌شود. فضا به طور دیالکتیکی و از طریق کار روزمره به عنوان فضای انسانی تولید می‌شود. اعمال فضایی مادی بر جریان‌های فیزیکی و مادی و دگرگونی‌ها و تعامل‌هایی دلالت دارد که در ورای فضا هستند. این جریان‌ها تولید و بازتولید اجتماعی را تضمین می‌کند (Safari, 2016).

فضای بازنمایی‌ها با قدرت و ایدئولوژی حاکم در ارتباط است و نمود آن را در خیابان‌ها و معابر شهری، میدان‌ها، تندیس‌ها و ساختمان‌ها می‌توان دید. قدرت حاکم از طریق ذهنی کردن فضا سعی در تصرف و تولید و بازتولید آن برای اهداف و مقاصد خود دارد (Merrifield, 1993; Parastesh & Mortazavi, 2012). فضاهای بازنمایی، گفتارهای فضاست و بخش سوم یا دیگری به حساب می‌آید. این همان فضایی است که باید باشد، یعنی فضایی کاملاً زیسته. این فضا هم ناشی از رسوب‌های تاریخی در محیط روزمره و هم عناصر آرمان شهری است که فرد را به سمت مفهوم تازه‌ای از زندگی اجتماعی می‌برد. فضاهای بازنمایی، ابداعات ذهنی همچون ضوابط، نشانه‌ها، گفتارهای فضایی، برنامه‌های اتوپایایی، چشم‌اندازهای تخیلی و حتی سازه‌های مادی نظیر فضای نمادین، محیط‌های مصنوع خاص، نقاشی‌ها و موزه‌هاست که معانی یا امکانات جدیدی را برای کنش‌های فضایی به تصویر می‌کشد (Safari, 2016).

سه‌تایی دیگر لوفور، یعنی امر مدرک و زیسته و متصور، برگرفته از پدیدارشناسی فرانسوی است. امر زیسته همان فضاهای زندگی روزمره است و در نوعی معادل‌سازی، با مفهوم فضاهای بازنمایانده منطبق است. امر متصور نیز به ذهن و فرایند درک و تصور هر چیزی از خلال عمل تفکر اشاره دارد و معادل فضای بازنمایی‌هاست. امر مدرک نیز همان چیزی است که از طریق حواس پنج‌گانه با آن مواجه می‌شویم و در کنش‌های روزمره متبلور می‌سازیم (Parastesh & Mortazavi, 2012).

هانری (۱۹۹۶) بر شکل‌گیری مکان و موقعیت‌های خاص (روستایی) در فضای سرمایه‌داری معاصر تمرکز دارد؛ چیزی که ثبات نسبی دارد و به‌وسیله جریان‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و بیولوژیکی ایجاد می‌شود. بنابراین برای

پایه‌گذاری کرده و دیدگاه جدیدی به روی فضا و زمان و روابط میان این دو در جامعه شهری گشوده که با نقد کنشگر منفعل در حیطه زندگی روزمره همراه است. از دیدگاه او فضا به سه دسته تقسیم می‌شود: فیزیکی (طبیعی) و ذهنی و اجتماعی. فضا قبل از هر چیز امری اجتماعی است که در هر دوره با توجه به ضرورت‌های زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی تولید و بازتولید می‌شود. همچنین فضا فرایندی دیالکتیک میان امر ذهنی و عینی است که از خلال کنش افراد یا به اصطلاح لوفور کنش فضایی و بدن فضایی‌شده نمود فیزیکی می‌یابد.

یکی از دغدغه‌های لوفور پیوند دادن ذهنیت و عینیت است؛ بنابراین سه‌تایی‌هایی را برای چگونگی اتصال این دو معرفی کرده است که از خلال آن فرضیه «بازتولید اجتماعی فضایی» شکل می‌گیرد (Parastesh & Mortazavi, 2012). اولین دسته از این سه‌تایی‌ها عبارت است از: فضاهای بازنمایانده و کنش‌های فضایی و فضای بازنمایی‌ها (Lefebvre & Nicholson-Smith, 1991) (جدول شماره ۱).

فضاهای بازنمایانده همان فضاهای زندگی روزمره محسوب می‌شود و در پیوند با مناسبت‌های تولید و بانظمی است که آن مناسبت‌ها تحمیل می‌کند. از این رو در پیوند با دانش، نشانه‌ها، علائم و مناسبت‌ها، از خلال نمادها و نشانه‌ها و تصاویر ساکنان و استفاده‌کنندگان درک می‌شود و همچون لایه‌ای برفراز فضای فیزیکی قرار دارد (Parastesh & Mortazavi, 2012). بازنمایی‌های فضا و گفتاری درباره فضا، یعنی نظام‌های گفتاری تحلیل فضاست (Safari, 2016).

کنش‌های فضایی، کنش‌هایی است که در آن فضا از خلال کنش‌های زندگی روزمره به صورت دیالکتیکی تولید و بازتولید می‌شود (Parastesh & Mortazavi, 2012). عمل فضایی، تولید و بازتولید و محل‌های خاص و مجموعه‌های فضایی مختص هر شکل‌گیری اجتماعی را دربر دارد و موقعیت‌ها و فضای خاص، ویژگی هر صورت‌بندی اجتماعی را ارائه می‌دهد. عمل فضایی استمرار و درجه‌ای از انسجام و پیوستگی را تضمین می‌کند. درحقیقت عمل فضایی در پی آن است که دنیا چگونه درک

چرخش فرهنگی، برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران ابراز می‌شود؛

۳. زندگی روزمره روستا که سطوحی از ثبات و انعطاف ذهنی متنوعی دارد و مقوله‌های دیگر را نقض می‌کند (Halfacree, 2007).

با توجه به الگوی ارائه‌شده هانری لوفور، مفهوم آن در روستای دره مرادبیگ شرح داده می‌شود. همچنین برای در نظر گرفتن تمامی تغییرها و روندهای فضایی و مکانی به نظام برنامه‌ریزی و اجرایی، یعنی دولت و گفتمان‌های محلی<sup>۲</sup> و ویژگی‌های طبیعی و مادی اشاره می‌شود. طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری شهری و توسعه گردشگری، به عنوان متغیرهای بیرونی بر ساختارهای چهارگانه فیزیکی کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی روستای دره مرادبیگ تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری اقتصادی در روستای دره مرادبیگ زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی از این دست شده است: بازگشایی و نوسازی شبکه معابر، گسترش سطح زیر کشت، تغییر کاربری اراضی کشاورزی از جمله باغ تاریخی بدیع‌الحکما، تغییر الگوی ساخت مسکن و برج‌سازی، افزایش تراکم ساختمانی، دگرگونی‌های اجتماعی از جمله وضعیت سواد و تغییر آداب و رسوم محلی روستا و چشم‌انداز آن.

با توسعه روستاها، سرمایه‌های اجتماعی با رویکرد مشارکت مردمی یکی از عوامل جدی و تأثیرگذار بر وضعیت فرهنگی و اجتماعی است که بر روابط میان افراد، گروه‌ها، اطرافیان، رفت‌وآمدهای خانوادگی و دوستانه، دولت، مردم و نظام تمرکز دارد (Kiani & Mirzapour, 2010). گسترش سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی، زمینه رشد فرهنگ مشارکتی و همکاری و اعتماد فراگیر را فراهم می‌کند و نوعی پیوند و رابطه محکم و صمیمیت و کمک متقابل را ایجاد می‌کند که هویت مکانی را افزایش می‌دهد.

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

در پژوهش حاضر با مرور نظریه‌ها و تعاریف مرتبط، مدارک

2. Lay discourse



موقعیت روستایی



بازنمودهای روستا



فضای روستایی



زندگی‌های روستا

تصویر ۱. الگوی عمومی برای فضای روستایی (Halfacree, 2007).

هالفاکری فضای روستایی به‌مثابه تداوم تولید سرمایه‌داری شناخته می‌شود. در ضمن در این سازوکار او برای اجتناب از بت‌وارگی روستایی، درک شخصیت چندوجهی سکونتگاهی و چگونگی به چالش کشیده‌شدن و بازسازی آن را ضروری می‌داند. به همین منظور هالفاکری به سه‌گانه فضای لوفور گرایش دارد و آن را نه به عنوان نظریه جدید، بلکه به منزله الگوی پیچیده‌ای از فضای روستایی ارائه می‌دهد و بر در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف و درهم‌پیچیده فضا به عنوان کل در روش‌شناسی پژوهش‌های روستایی تأکید می‌کند (Heley & Jones, 2012) (تصویر شماره ۱).

در این میان هالفاکری این سه جنبه از فضای روستایی را پیشنهاد می‌دهد (Khosrobeigi Borchelouie, 2016):

۱. موقعیت‌های روستا که در روال‌های فضایی متمایز از نظر فعالیت‌های بازتولید یا مصرف احاطه شده است؛

۲. بازنمودهای رسمی روستا که به‌وسیله علایق نظام سرمایه‌داری،

تصادفی انتخاب شدند و با استفاده از پرسش‌نامه (پرسش‌های باز) با آن‌ها مصاحبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با رویکرد کیفی و با روش تحلیل محتوا در موضوع‌های مشخص سازمان‌دهی شد و در نهایت مضمون‌های فراگیر به دست آمد. قابلیت اعتماد داده‌ها از طریق واریسی توصیف‌های اعضا محک زده شد. به این شیوه که از پاسخ‌گویان درباره تأیید یافته‌ها و توصیف‌ها پرسش شد.

#### مطالعه نمونه

#### روستای دره مرادبیگ همدان

منطقه دره مرادبیگ در فاصله سه کیلومتری از مرکز همدان در جنوب‌غربی دامنه کوه‌های الوند و در طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۹ دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۴۳ دقیقه واقع شده است. این منطقه از شمال به شهر همدان، از شرق به روستاهای ابرو و تفریجان، از غرب به روستاهای گنج‌نامه و شهرستانه و از جنوب به کوهستان الوند محدود می‌شود و مساحت آن ۸۰۰ هکتار است (تصاویر شماره ۲ و ۳). از مجموع اظهار نظر ساکنان چنین برمی‌آید که بنیاد سکونتگاه دره مرادبیگ با اشراف به چشم‌انداز شهر همدان حدود هفتصد تا هشتصد سال



تصاویر پژوهش‌های روستایی

تصویر ۳. منظره عمومی روستای دره مرادبیگ (منبع: نگارنده).

پژوهش‌های برجسته در زمینه‌های هویت مکان مطالعه و در مراحل بعد روستای دره مرادبیگ بر اساس معیارهای ارائه‌شده بررسی شد. روش این تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی محتوا بود و داده‌ها به دو شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شد. ابزار گردآوری داده‌ها مشاهده دقیق مبتنی بر یادداشت‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق و غیررسمی با توجه به اهداف تحقیق بود.

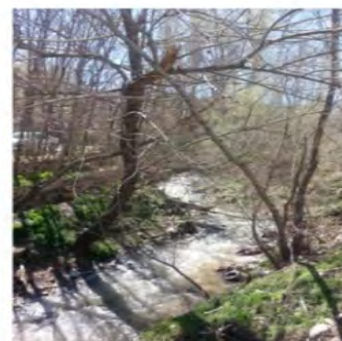
جامعه آماری این پژوهش، ساکنان روستای دره مرادبیگ و گردشگران اعم از جوانان و افراد مسن بودند و حجم نمونه سی نفر از ساکنان روستا و عابران را شامل می‌شد که به روش نمونه‌گیری



تصاویر پژوهش‌های روستایی



تصویر ۴. روستای دره مرادبیگ همدان (منبع: نگارنده).



تصاویر پژوهش‌های روستایی

تصویر ۵. نمایش رودخانه آوسجرد و باغ بدیع‌الحکما و ورودی روستای دره مرادبیگ (منبع: نگارنده).

جدول ۲. شاخص‌های ارزیابی هویت مکان روستای دره مرادبیگ همدان (منبع: نگارنده).

عوامل ایجاد فضا و هویت مکان		شاخصه‌ها
فیزیکی	عمل فضایی	نظم فضایی، تنوع فضایی، سلسله‌مراتب فضایی، سازه مصالح، عوامل طبیعی، بافت روستا، توپوگرافی، اقلیم، امکانات رفاهی و پوشش گیاهی
ذهنی	فضاهای بازنمایی	پیوند معنوی با فضا و مکان، انتقال معنا از فعالیت‌ها، فهم روستا، پیوند و ارتباط با محیط، حس ماندگاری در روستا، احساس زنده‌بودن فضا، احساس شادی و نشاط، فعالیت‌های شهری، نبود امکان نمایش فرهنگ، دوری از فضای شهری و الگوهای رفتاری
اجتماعی	بازنمایی‌های فضا	مردم سرمايه‌های اجتماعی، مشارکت مردمی، روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی
	قدرت	طرح‌های عمرانی روستا و تغییر در ساختار فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی روستا، شبکه معابر، اراضی، تغییر الگوی مسکن و تراکم ساختمانی

### سازمان پژوهش‌های روستایی

پیش، یعنی مقارن با حکومت و حمله ایلخانان مغول برمی‌گردد (Deputy of Architecture and Urbanism of Hamadan, 2008) (تصویر شماره ۴).

بنا بر نظر افراد مسن و صاحب‌نظران روستا، «مرادبیگ» یکی از سه برادری است (نظریبگ و الله‌بیگ و مرادبیگ) که در دوران مذکور در نقاط سه‌گانه‌ای از همدان فعالیت و حکمرانی

جدول ۳ شاخصه‌های هویت مکان روستای دره مرادبیگ همدان (منبع: نگارنده).

شاخص‌ها	
نظم فضایی	تا حدودی نظم دارد، فضا آشفته است، فضا نظم ندارد، اغتشاش است، آشفتگی دیداری حاکم است، هیچ چیز جای خودش نیست، جالب است، نظم خاصی ندارد، بی‌نظمی و هرج‌ومرج
تنوع فضایی	بافت قدیمی کیفیت بیشتری دارد، جاهایی تنوع فضا دارد، کوچه‌ها و دالان‌ها احساس گشایش دارد، فضا نسبتاً مناسب است، بعضی فضاها جالب است اما تنوع زیادی دیده نمی‌شود، فضا متعادل نیست، جالب است، آرامش، احساس کنج‌کاوی و شیفتن، کشف فضا
سلسله‌مراتب فضایی	معابر متناسب بافت قدیم باریک است و نظم دارد، در قسمت‌های روستایی کوچه‌ها تنگ و باریک است، کوچه‌ها حس آزادی و آرامش و ضرباهنگ و حرکت دارد، کوچه‌های روستایی و کوچه‌های تنگ روستا نابود شده است، ویژگی‌های بکر روستا از بین رفته است، مسیرها به عنوان روستا دل‌نشین نیست، دسترسی‌ها، هرج‌ومرج، اضطراب در بافت
سازه	ستنی و امروزی، سادگی، ناهمخوانی در بافت روستا، سازه جداگانه، سازه‌های روستایی و سنگی معماری را برآمده از طبیعت نشان می‌دهد، ساختمان‌ها همخوان نیست، سازه معماری بومی را نشان نمی‌دهد، سازه متناسب نیست، آجر با محیط سازگاری دارد، تعلق به مکان در سازه‌های روستایی، احساس وصله در سازه‌های فلزی
مصالح	سنگ اقلیم را نشان می‌دهد، تا حدودی هماهنگ با محیط سنگ و آجر مناسب است، نماهای طبیعی حس بودن در کوهستان و حس آشفتگی، سنگ بهتر از آجر است، سنگ‌های لاشه استفاده شده در دیواره گذرگاه‌ها حس خوبی را به من می‌دهد، به مصالح ساختمان‌ها حس خوبی ندارم، آجر بافت قدیمی را بهتر نشان می‌دهد، سنگ احساس ثبات و امنیت و گرمی می‌دهد، آجر احساس قدیمی و نوستالژیک بودن دارد
رود و طبیعت	طبیعت زیباست، آرامش، دل‌نشینی، حس آرامش و آزادی، احساس ترس از فضا، روستایی بسیار زیبا و با چشم‌اندازهای فوق‌العاده، بعضی جاهای روستا خوب است، طبیعت و رود حس آرامش بخشی دارد که با فضای آنجا تناسب دارد، احساس یکی‌شدن با جهان
طبیعت روستا	منظر خوب، متفاوت با محیط شهری، روستا پستی و بلندی دارد، تنوع فضایی، منظره روستا جذاب است، ساختمان‌ها بافت روستا را نابود کرده است، منظره جالب نیست، بافت طبیعی روستا جذاب است، احساس آرامش، کشف فضا
اقلیم	هوا سرد است، سرزندگی، در فصل بهار روستا دل‌نشین است، اقلیم در حال حاضر نادیده گرفته شده است، هوا سرد و خشک است، تابستان‌های بسیار دل‌انگیز، بیشتر مواقع هوا سرد است، آب‌وهوایش بسیار پاک و لذت‌بخش است، لمس زندگی
پیوند معنوی با فضا و مکان	محیط را می‌پسندم، تا حدودی حس دوری از فضای شهری، رمزآلودگی فضا و نشستن در طبیعت باعث ارتباط معنوی می‌شود، ارتباط برقرار نکردن با محیط، ارتباط من با محیط ضعیف است، پیوند معنوی خاصی با آن برقرار نمی‌کنم، با بعضی فضاها ارتباط برقرار می‌کنم، انسان را از دغدغه‌های فکری‌اش جدا می‌کند، احساس حضور همه‌جانبه در فضا
نبود امکانات رفاهی	جایی برای نشستن نیست، هماهنگی با فضای روستا، فضا جایی برای ماندن ندارد، فضاهای جمعی سازمان‌دهی نشده است، کمبود آن حس می‌شود، حس ماندن طولانی را ندارم، توانایی جذب افراد به روستا کاهش یافته است، افراد کمتری می‌توانند روستا را ببینند، چون فضا تاریخی است نبودن فضاهای جمعی مهم نیست، احساس خلوت در زمان کوتاه و پرت‌شدگی در زمان طولانی

شاخص‌ها	
پوشش گیاهی منطقه	پوشش گیاهی بکر، تنوع، پوشش گیاهی غنی ندارد، پوشش گیاهی حفظ شود، از پوشش گیاهی خوبی برخوردار است، پوشش گیاهی نابود شده است، با فضا تناسب ندارد، بی‌توجهی به نیازهای فضایی
انتقال معنا از فعالیت‌ها	فعالیت‌های شهری حس خوبی ندارد، معنایی متناسب با فضای روستایی و متفاوت با شهر، طبیعت بکر دره تمایل انسان برای حضور در کنار رود را ایجاد می‌کند، نبود تطابق فعالیت‌ها معنایی ایجاد نمی‌کند، معنایی از روستا به نظر نمی‌رسد فعالیت شورانگیزی در این مکان اتفاق نمی‌افتد، حس خوبی منتقل نمی‌شود، حس ندارم، فعالیت‌ها با فضای روستا تناقض دارد، احساس وصله‌ای بودن فعالیت‌های شهری به دلیل نبود تطابق
فهم روستا	طبیعتش خوب است اما شهر از جذابیتش کاسته است، فضای روستایی که حس بودن در مکانی متفاوت با شهر را القا می‌کند، تا حدودی فضایی بکر همراه با سکوت دارد، بافت سنتی و معماری جدید به عنوان وصله، روستای در حال نابودشدن، روستای سرسبز، فضای سبز کم حس خوبی از روستا ندارد، در کل حس خوبی دارد که انسان را از شهر و دغدغه‌هایش جدا می‌کند، حس لطیفی است و با عناصر شهری دچار یأس و پشیمانی می‌شود، احساس مزاحمت و بی‌توجهی به آن، رعایت‌نشدن حریم‌های طبیعی و تاریخی
پیوند و ارتباط با محیط	با ساختمان‌های روستا ارتباط برقرار می‌کنم، هماهنگی کالبد معنا و محیط و فضا، بافت سنتی ارتباط مناسبی با فضای کوهستانی و طبیعت دارد، پیوند با محیط در بخش‌های سنتی، بافت روستا و طبیعت پیوسته است، ویژگی چشمگیری برای ارتباط با محیط وجود ندارد، ارتباطی با فضا ندارم، پیوند زیادی با محیط دارم، خیلی خنده‌دار شده است، احساس یکی‌شدن من و روستا در نقاط سنتی
حس ماندگاری در روستا	تمایل زیادی به ماندن ندارم، تمایل به ماندن دارم، آشننگی دیداری با حس تفرج کوتاه‌مدت، حس ماندگاری در فضای روستایی و فرار از بافت جدید، آشننگی روستا حس ماندن و توقف طولانی را ایجاد نمی‌کند، مناظر زیبا تا حدی انسان را ترغیب به ماندن می‌کند، روستا حس ماندگاری ندارد، حس ماندن زیادی در روستا دارم، حس نوستالژیک به دلیل تغییر نامرتبط از بین رفته است.
فعالیت‌های شهری	شغل‌ها با روستا متناسب نیست، اغتشاش، فعالیت‌های شهری رونق دارد، فرهنگ منطقه نابود شده است، خوگرفتن با زندگی شهری، اهالی روستا بیشتر وارد فعالیت‌های شهری شده است، معلق از روستا به شهر، تضاد بدی بر روستا حاکم است، ناهماهنگی روستا، فعالیت‌های روستا و سازه‌های نامرتبط حس واقعی را از بین برده است، نبود تطابق با بافت روستا، احساس اضافه‌بودن
نبود امکان نمایش فرهنگ و آداب و رسوم روستا	بیشتر شهری است، بی‌هویتی، فرهنگ روستا دیده نمی‌شود، احساس غریب‌بودن در فضا، ردپایی از فرهنگ روستا نیست، نبود امکان نمایش هویت بومی، از حالت روستا خارج شده است، نشان‌ندادن فرهنگ باعث فراموشی روستا می‌شود، احساس دل‌تنگی و غریبی، جداشدن از گذشته، آداب و رسوم روستا فراموش شده است، زندگی شهری در جریان است، بهتر بود که آداب و رسوم روستا نمایش داده شود.
احساس زنده‌بودن فضا	فضا زنده است، آرامش، حس زنده‌بودن ندارم، میدان مرکزی روستا زنده است، فضا تلفیقی از شهر و روستا، فضایی برای صحبت و حضور وجود ندارد، فضا اصلاً زنده نیست، حس زنده‌بودن زیاد است، فضای خلأ به دلیل ارتباط‌نداشتن با مشاغل و نحوه زندگی مردم، در مناطق طبیعی وجود دارد
احساس شادی و نشاط	بعضی جاها شادی وجود دارد، احساس رمزآلودگی و سکوت همراه با حس ترس از فضا، در کوچه‌باغ‌ها حس شادی وجود دارد، فضای رودخانه و اطراف آن به دلیل حرکت آب حس سرزندگی دارد، احساس شغف در لحظه زیبایی‌های طبیعت، به هیچ وجه احساس شادی ندارم، احساسی وصف‌نشدنی به انسان القا می‌کند، شادی آور نیست، در کوچه‌باغ‌ها و مناطق طبیعی وجود دارد.
دوری از فضای شهری	در جاهایی فکر می‌کنم از زندگی جدا شدم، سرزندگی، حس تعلق به طبیعت و جدایی از زندگی شهر، احساس آرامش، بکر، در دره احساس سکوت حکم‌فرماست و به‌نظر می‌رسد از آلودگی‌های صوتی شهر خبری نیست، به دلیل ویلاسازی حس جداسازی از عناصر روستایی و ورود به شهر را القا می‌کند، حس جدایی ندارم چون همانند شهر است، به‌سختی می‌توان از محیط جدا شد، حس دوگانه که رفته‌رفته حس روستایی در حال زوال است، احساس دل‌چسب، آرامش‌بخش
مشارکت مردمی	در انتخابات شرکت می‌کنم، با افراد شورا ارتباط دارم، قبلاً بیشتر در برنامه‌ها شرکت می‌کردم، در برنامه‌های مالی با افراد همکاری دارم، در اجرای پروژه‌ها فرصت همکاری ندارم، مشارکت مالی با افراد ندارم، در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنم، با افراد شورا همکاری ندارم.
تعامل‌های اجتماعی	با اهالی رفت‌وآمد دارم، رفت‌وآمد و بازدید در عید نوروز کمتر شده است، از حال همسایگان مطلع هستم، به عیادت همسایه می‌روم، همسایگان خود را کامل نمی‌شناسم، در زمان گرفتاری از همسایگان کمک می‌گیرم، با همسایگان رفت‌وآمد ندارم، در مراسم عزاداری و اعیاد در مسجد و حسینیه محل شرکت می‌کنم، در مراسم ختم و عروسی همسایگان شرکت می‌کنم، در مسجد با همسایگان رابطه صمیمی ندارم، از کار با افراد همسایه از جمله تشری درست‌کردن و سبزی پاک‌کردن لذت می‌برم، اگر وسیله‌ای لازم داشته باشم از همسایه می‌گیرم، برنامه مشترکی با همسایه ندارم، در میهمانی‌های همسایه‌ها شرکت نمی‌کنم.
اعتماد اجتماعی	از محل زندگی خود راضی هستم، قبلاً روستا بود ولی الان خیلی متفاوت شده است، در روستا امکانات شهری خوبی وجود دارد، بافت طبیعی روستا را بیشتر می‌پسندیدم، به اعضای شورا اعتماد دارم، به همسایه‌ها اعتماد دارم، به همسایه‌ها اعتماد ندارم چون با آن‌ها رابطه ندارم.
انسجام اجتماعی	رابطه همسایگان قبلاً بهتر بود، کسی کاری با کار کسی ندارد، همسایه‌ها از حال هم خبر ندارند، از حال دوستم باخبرم، بین اهالی دعوا نیست، در جلسه‌ها شرکت می‌کنم، تمایلی به شرکت در گردهمایی‌ها ندارم.

شاخص‌ها	
گرایش روستاییان به یکدیگر	در موقع گرفتاری‌ها به هم کمک می‌کنیم؛ مشکلم را با همسایه در میان نمی‌گذارم، گاهی اوقات زخم‌زبان می‌زنند، به بزرگ‌ترها احترام می‌گذارم، به نصیحت‌های بزرگ‌ترها عمل می‌کنم، پای صحبت بزرگ‌ترها می‌نشینم، فرصت ارتباط با ریش‌سفیدهای محل را ندارم، گفتن مسائل زندگی با همسایه‌ها کار راحتی نیست.
ساختار معابر	قبلاً مسیر شهر به روستا سخت بود، رفت‌وآمدها آسان‌تر شده است، آسفالت‌بودن معابر خوب است، در قسمت خانه‌باغ راه‌ها خاکی است و به آن حس خوبی دارم، خوب است که راه‌های باغ آسفالت نیست، رفت‌وآمد در مسیر باغ کمی سخت است.
کاربری اراضی	قبلاً زمین‌های کشاورزی بیشتر بود و باغ‌ها حس خوبی داشتند، خانه‌ها طبیعت را نابود کرده است.
تغییر الگوی مسکن	ساختمان‌ها مقاوم است، مصالح استاندارد است، در مقابل زلزله امنیت داریم، خانه‌باغ‌ها را بیشتر می‌پسندم، به بافت روستایی حس بهتری دارم تا خانه‌های جدید.
تراکم ساختمانی	ساختمان‌ها مثل شهر زیاد است، باغ‌ها در ساختمان‌ها گم شدند.
سطح سواد	بهرتر شده است، امکانات آموزش بیشتر شده است، فرصت‌ها برای ملاقات همدیگر کمتر است، افراد روستا تحصیل کرده هستند.

#### مجله پژوهش‌های روستایی

پایین‌بودن سهم مهاجران از کل جمعیت منطقه، بیانگر بافت اجتماعی بومی و یکدست منطقه است (Deputy of Architecture and Urbanism of Hamadan, 2008). با توجه به الگوی سه ضلعی هانری لوفور، شاخص‌های بررسی هویت مکان در روستای دره مرادیگ در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

#### ۴. یافته‌ها

بعد از گردآوری داده‌ها، به صورت کیفی و تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شد و در سه دسته فیزیکی و ذهنی و اجتماعی قرار گرفت (جدول شماره ۳).

#### فیزیکی

از دیدگاه بیشتر مصاحبه‌شوندگان مداخله‌ها در معماری روستا، سازمان‌دهی معابر، میدان‌ها، دسترسی‌ها و غیره، بی‌نظمی‌های زیادی ایجاد کرده و به دنبال آن بر کیفیت و تنوع فضایی تأثیر گذاشته است. بیشتر افراد معتقدند سلسله‌مراتب فضایی در بافت طبیعی روستا و عبور از کوچه‌باغ‌ها و دالان‌ها و فضاهای باز و نیمه‌باز حس آرامش، گشایش، کشف فضا، حرکت و ضربانگ را برای افراد القا می‌کند که این حس در مسیرهای جدید با اغتشاش‌های ایجادشده به دست فراموشی سپرده شده است. مصالح بومی نمودی از هویت روستاست و ورود سازه‌های جدید، مانند فلز و بتن و مصالح آجر در منطقه باعث شده است که معماری روستا بر خلاف اینکه نشانی از طبیعت داشته باشد، نمودی از معماری شهر را القا کند. افزون بر آن ورود فناوری و مصالح جدید، احساس امنیت و ثبات و نوستالژیک‌بودن فضا

می‌کرد (Beik, 2014). از مکان‌های معروف دره مرادیگ می‌توان به این جاذبه‌های آن از جمله دره گرگ، دره غول، دره حاج احمد (جاحمد)، لژه، شرشر آب، گوش‌تخل‌دره، روستای سیلوار، قزله‌رود، حمام خرابه و غیره اشاره کرد. منظره عمومی روستای دره مرادیگ در تصویر شماره ۵ آمده است.

امروزه منطقه گردشگری دره مرادیگ همدان بر اساس مصوبه شورای عالی شهرسازی مورخ ۴ مهر ۱۳۶۷، در محدوده خدمات شهری قرار دارد و جزو شهر همدان محسوب می‌شود. در این دره رود آلو سجرد که از آب‌شدن برف‌ها و آب چشمه‌ها تشکیل شده است، مسیری جنوبی‌شمالی دارد و در شیب نسبتاً تندی جاری است و پس از گذشتن از دره به سوی شهر روان می‌شود. سپس در اراضی جلگه‌ای شهرستان همدان با پیوستن رودهای متعدد به آن، به رود قره‌چای می‌ریزد (Garrosin, 2005).

اختلاف ارتفاعی که این نقطه جمعیتی در مقایسه با مرکز شهر همدان دارد، سبب خنک‌تر بودن نسبی دمای هوا در مقایسه با دیگر نقاط شهر همدان شده است. خاک مناسب و حاصلخیز منطقه و وجود آب، شرایط مناسبی از نظر جغرافیایی برای باغداری فراهم آورده است و فعالیت‌ها و مشاغل که در منطقه دره مرادیگ رونق دارد، به ظرفیت‌های محیطی منطقه وابستگی دارد. فعالیت‌های اصلی این منطقه باغبانی و دامداری و صنایع دستی است. مردم منطقه به زبان‌های آذری و فارسی و کردی سخن می‌گویند و اقوام گوناگون با فرهنگ‌های مختلف، به‌ویژه فارس، ترک، لر و کرد در سراسر منطقه و در کنار هم با آرامش و خوشی زندگی می‌کنند. در منطقه دره مرادیگ تنها ۳/۳ درصد از جمعیت را مهاجران تشکیل می‌دهند؛ بنابراین



رابطه صمیمی در گذشته با افراد اشاره کردند که این موجب راحت‌تر بودن افراد در حل مسائل یکدیگر بوده است.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

با تحلیل مکان در فضاهای روستایی بر اساس الگوی هانری لوفور، به عوامل ایجاد هویت در سه دسته اصلی فیزیکی و ذهنی و اجتماعی اشاره شد. در این تحقیق هویت مکان روستای دره مرادبیگ همدان بررسی شد. توسعه عمران و سرمایه‌گذاری در بخش مسکن و برج تجاری‌مسکونی و تندیس در مسیر ورودی روستا به عنوان عامل خارجی ساختار اقتصادی و اجتماعی و کالبدی، روستا را تغییر داده که با تغییر الگوی اجتماعی از جمله مشارکت مردمی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و تضعیف هویت مکان روستا همراه است. نتایج تحقیق گویای این است که بافت روستا با توجه به بازسازی و بهسازی و ورود فناوری، نمودی از هویت مکان نیست و تغییر در الگوهای کالبدی روستا و به دنبال آن فعالیت و معانی ایجاد شده نمی‌تواند تجربه و نمودی از فرهنگ بومی باشد. مصالح و سازه‌های جدید و تغییر محیط‌های طبیعی و بکر، بی‌توجهی به سازمان‌دهی رودخانه آوسجرد و مسیر تاریخی اکولوژیکی آن و ساخت‌وسازهای بی‌رویه گواهی بر این ادعا است.

نتایج پژوهش‌های روستای زرنديه که طرح هادی آن اجرا شده است از نظر کالبدی آن را بهبود یافته نشان می‌دهد. این روستا چشم‌انداز مطلوب‌تری از دیگر روستاها دارد و در نتیجه حس تعلق مکانی در آن بیشتر و متغیرهای اقتصادی به شدت بر حس مکانی تأثیرگذار است. همچنین در بُعد فرهنگی و اجتماعی، میزان همبستگی امکانات فرهنگی و وضعیت اجتماعی در زمینه حس تعلق مکانی درصد زیادی را نشان می‌دهد. برخلاف روستای زرنديه که طرح هادی تأثیر مثبتی در ارتقای حس تعلق ساکنان گذاشته، طرح هادی روستای دره مرادبیگ چشم‌انداز دره را دستخوش دگرگونی کرده است. همچنین با بی‌توجهی به ساختار کالبدی و عامل محیطی رودخانه آوسجرد، الگوهای فرهنگی و روابط اجتماعی افراد از جمله فعالیت‌های دسته‌جمعی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و غیره را تغییر داده و بر هویت ساکنان روستا تأثیر منفی گذاشته است.

بررسی هویت کالبدی روستاهای استان گلستان در برابر نوسازی‌ها نشان می‌دهد که شاخصه‌های کالبدی از جمله ویژگی‌های طبیعی، مناظر مصنوعی، نماها و مصالح، شاخصه‌های مقایسه‌شده روستاهاست. با توجه به الگوی فضایی لوفور، در بررسی هویت روستای دره مرادبیگ افزون بر عوامل کالبدی که در ارتقای هویت مکان نقش دارد، به دو ضلع دیگر این الگو، یعنی برنامه‌ریزی دولت (اجتماعی) و گفتمان‌های محلی (ذهنی)، اشاره شد. این امر نشان‌دهنده نقش بسزای برنامه‌های اجرایی دولت در کاهش هویت مکانی برای ساکنان مسن روستا و افزایش هویت

را دستخوش تغییر کرده است. مصاحبه‌شوندگان اذعان کردند پوشش گیاهی و ارگانیک روستا با ساخت‌وسازهای بی‌رویه نابود شده است و با فضا تناسبی ندارد. قسمت‌های طبیعی به‌جامانده با تأکید بر چشم‌اندازهای زیبا و دل‌نشین که در هویت‌بخشی تأثیرگذار است حس یکی شدن با جهان را القا می‌کند.

## ذهنی

بیشتر افراد بیان کردند مداخله‌هایی در بافت روستا انجام و ناهمگونی‌هایی در معماری آن دیده می‌شود. با قرارگیری در بافت طبیعی باقی‌مانده و جدایی از فضای شهری، پیوند معنوی با مکان برقرار و حس سکوت القا می‌شود. حفظ طبیعت باعث شادی و نشاط و جدایی افراد از محیط شهری می‌شود و جداسدن از شهر حس آرامش و سرزندگی است. حس روستایی رفته‌رفته در حال زوال و حس ورود به شهر در حال تجربه شدن است، اما ماندگاری و یکی شدن در روستا با دیدن مناظر زیبا و طبیعی دوچندان می‌شود. از دیدگاه برخی از مصاحبه‌شوندگان حس نوستالژیک روستا به دلیل بی‌توجهی به بافت سنتی و فضاهای جمعی همانند کوچه‌ها، لبه رودخانه، مرکز محله و مسیرها که یادآور خاطره‌های گذشته است از بین رفته است و از این نظر پیوندی با محیط صورت نمی‌گیرد. در پیوند با محیط طبیعی و سنتی روستا، حس زنده‌بودن، شادی، نشاط در کوچه‌باغ‌ها، بافت طبیعی و رودخانه حاکم است. همچنین خوگرفتن با زندگی شهری بر فعالیت‌های روستا تأثیر گذاشته است که این تناقض و تغییر الگوهای روستایی، حس خوبی برای افراد ایجاد نمی‌کند. فاصله شهر و روستا حس می‌شود، اما دره مرادبیگ نه نمایانگر روستاست و نه شهر. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان نبود امکان نمایش فرهنگ و آداب‌ورسوم روستا بیانگر احساس غریب‌بودن، بی‌هویتی، دل‌تنگی و جدایی از گذشته است و فراموشی روستا و گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی آن را به همراه دارد.

## اجتماعی

برنامه‌ریزی دولت‌مردان و اجرای طرح‌های توسعه در روستاها با دگرگونی ساختار کالبدی و اجتماعی از جمله تغییر اراضی کشاورزی و الگوی مسکن و معابر بر ساختار اجتماعی فضا تأثیر گذاشته که بر هویت مکان نیز اثرگذار است. مردم ضلع دیگری از قدرت هستند که به جریان‌های بیرونی واکنش نشان می‌دهند. همان‌طور که در مصاحبه با افراد اشاره شد، ساکنان در فعالیت‌های مردمی مشارکت داشتند. با این حال تعامل‌های اجتماعی، رفت‌وآمد با همسایه‌ها، شرکت در مراسم مختلف، عیادت از همدیگر و غیره، در روستا همچون گذشته پابرجا نیست. تعداد زیادی از ساکنان از محیط شهری زندگی خود راضی بودند و تعداد کمی به بافت روستایی اشاره کرده بودند. عامل دیگر، انسجام اجتماعی است که در تعامل‌های اهالی به طور محدود مشهود است. تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان به وجود

## References

- Ahmadi, A., & Mahdavi, M. (2015). [Relationship between quality of life and sense of place in developing rurals; Case study: Zarandiyeh township (Persian)]. *Journal of Rural Research*, 5(4), 827-48.
- Alalhesabi, M., & Negaresh, N. (2011). [The embody of communal space in rural settlement (Persian)]. *Journal of Housing and Rural Environment Journal*, 29(132), 29-38.
- Khosrobeigi Borchelouie, R. (2016). [Multiplicity, rurality, and gender identity in agriculture; Case study: Ghooshkhaneh District, Shirvan County (Persian)]. *Journal of Rural Research*, 7(3), 530-545. doi: 10.21859/jjr-07038
- Beik, F. (2014). [Framework the design of urban and rural was it; Case study: Hamedan City and Moradbeig valley rural (Persian)] (MA thesis). Tehran: Central Tehran Branch, Islamic Azad University.
- Bemania, M., & Samavati, S. (2014). [Organizing tourist spots in river-valley margin; Case study: Moradbeig river-valley in Hamedan (Persian)]. Paper presented at *First National Conference on Geography, Urban Planning and Sustainable Development*, Tehran, Iran, 27 February 2014.
- Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran. (2014). [Feasibility study of Dareh Morad Beyg village (sample of tourism area) in Hamedan (Persian)]. Tehran: Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization of Iran.
- Deputy of Architecture and Urbanism of Hamadan. (2008). [The studies of Hamadan's Dareh Morabeyg tourism area (Persian)]. Hamadan: Deputy of Architecture and Urbanism of Hamadan.
- Garrosin, H. (2005). [Historical geography and habitats Alvand (Persian)]. Hamedan: Shahr-e Andisheh.
- Halfacree, K. (2007). Trial by space for a radical rural: Introducing alternative localities, representations and lives. *Journal of Rural Studies*, 23(2), 125-141. doi: 10.1016/j.jrurstud.2006.10.002
- Heley, J., & Jones, L. (2012). Relational rurals: Some thoughts on relating things and theory in rural studies. *Journal of Rural Studies*, 28(3), 208-217. doi: 10.1016/j.jrurstud.2012.01.011
- Merrifield, A. (1993). Place and space: A lefebvrian reconciliation. *Transactions of the Institute of British Geographers*, 18(4), 516-531. doi: 10.2307/622564
- Javan, D., Dail, S., & Salmani Moghaddam, J. (2013). [Lefebvre's dialectic of space (Persian)]. *Journal of Arid Regions Geographic Studies*, 3(12), 1-17.
- Kashi, H., & Bonyadi, N. (2014). [Stating the model of identity of place-sense of place and surveying it's constituents; Case study: pedestrian passage of Shahre Rey (Persian)]. *Journal of Honar-Ha-Ye-Ziba; Memari- Va Shahr-sazi*, 18(3), 43-52.
- Kiani, A., & Mirzapour, S. (2010). [Study of discrepancy of special-placement of city and village in dimension of social capital; Case study: Khorramabad country (Persian)]. *Journal of Geographic Space*, 9(28), 125-147.
- Lefebvre, H., & Nicholson-Smith, D. (1991). *The production of space*. Oxford: Blackwell.
- Masood, M., Pesarakloo, E. (2013). [Keeping the identity of villages in The renovation: Case study villages of Gilan (Persian)]. Paper presented at the 1<sup>st</sup> National Conference on Urban and Architectural

مکانی برای جوانان است که تأثیر آن در نوع فعالیت و تغییر برداشتهای ذهنی افراد روستا با سنین مختلف نمایان است.

در مطالعه‌های دیگر آثار اجرای طرح هادی بر بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی نشان می‌دهد که اجرای طرح هادی در روستاهای بدون طرح هادی، در بُعد اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر متغیرهای تقویت نهادهای محلی، احساس امنیت فردی، امید به آینده و تمایل به ماندن در روستا دارد. با توجه به مصاحبه ساکنان در روستای دره مرادبیگ، طرح هادی با توسعه عمرانی و امکانات روستا، تمایل به ماندن را برای ساکنان از جمله جوانان فراهم کرده است. با وجود این به گردشگران و ساکنان مسن روستا حس ماندن و توقف طولانی در فضا را القا نمی‌کند.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که برای پاسخ‌گویی به نیاز ساکنان با سنین مختلف، هویت‌بخشی به الگوی مسکن ویلایی و روستایی، فضاهای جمعی مرکز محله، ظرفیت‌های طبیعی و فرهنگی و اکولوژیکی رودخانه آلسجرد و افزایش سرمایه اجتماعی، توسعه عمرانی و اقتصادی و امکانات شهری روستا می‌بایست با سازمان‌دهی و دستیابی به بافتی ترکیبی انجام شود. با این تفاسیر در زمینه هویتی، روستا درحین تغییر بسیار ظرفیت‌های زیادی برای برنامه‌ریزی و طراحی معماری اکولوژیکی دارد. طبیعت بکر و حاشیه رودخانه آلسجرد و کوچه‌باغ‌ها، فضایی برای استراحت و زنده‌بودن است که باید به آن‌ها توجه شود. گفتنی است که افراد به مصالح بومی و عناصر طبیعی به عنوان شاخصه ارتباط شهر و روستا و فضاهای جمعی به عنوان عنصر زنده‌بودن فضا، بسیار توجه کرده‌اند.

## تشکر و قدردانی

از زحمات آقای مهندس علی خاکسار معاون گردشگری میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان همدان بی نهایت سپاسگزارم. این مقاله از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سمیه هاتفی شجاع، در دانشگاه آزاد اسلامی تهران واحد علوم تحقیقات گرفته شده است.

- Restoration and Sustainable Environment, Iran, Hamadan, 19 September 2013.
- Parastesh, S., & Mortazavi, G. S. (2012). [The representation of the urban space in novels produced during the Pahlavids (Persian)]. *Sociological Journal of Art and Literature*, 3(1), 105-132.
- Pourdehimi, Sh., & Nourtaghani, A. (2013). [Housing and identity; Study on the mechanisms of interaction between dweller's identity and residential environment (Persian)]. *Journal of Housing and Rural Environment*, 32(141), 3-18.
- Sartipipour, M. (2013). [A review of the evolutions of rural housing upgrading and the future perspective (Persian)]. *Journal of Housing and Environment*, 31(140), 3-12.
- Satari, S. (2016). [Henri Lefebvre's three dimensional dialectic of production of space (Persian)]. *Journal of Philosophical Investigation*, 15(28), 85-114.
- Torkameh, A., & Shirkodaye, A. (2015). [Space product of Henri Lefebvre's (Persian)]. *Society, Culture and Media*, 4(14), 11-30.

